

بررسی رابطه بین روش‌های تربیتی مادران با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان (با تأکید بر آموزه‌های تربیت اسلامی)

مریم زرین‌جوی‌الوار* دکتر ایراندخت فیاض**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین روش‌های تربیتی مبتنی بر آموزه‌های تربیت اسلامی مادران با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی انجام گرفت. طرح تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی شهرستان بروجرد (۹۴-۱۳۹۳) بوده است. از این جامعه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، تعداد ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان پسر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات ۱. پرسش‌نامه تجدید نظر شده روش‌های تربیتی مادران مبتنی بر آموزه‌های تربیت اسلامی (اسفندیاری، ۱۳۷۴) و ۲. پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری (نعمتی، ۱۳۸۸) بود. در این مطالعه روایی هر دو پرسش‌نامه به‌صورت محتوایی و پایایی آن‌ها با روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۷ و ۰/۹۲ محاسبه شد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. نتایج به‌دست آمده نشان داد که بین روش تربیتی اقتدار منطقی مادران و مسئولیت‌پذیری پسران رابطه مثبت و بین روش تربیتی سهل‌گیرانه و سخت‌گیرانه مادران با مسئولیت‌پذیری پسران رابطه منفی معنادار وجود دارد. همچنین بین روش تربیتی اقتدار منطقی با خودمدیریتی، قانونمندی، امانت‌داری، وظیفه‌شناسی و سازمان‌یافتگی همبستگی مثبت معناداری مشاهده شده است. علاوه بر این نتایج نشان داد که روش تربیتی سخت‌گیرانه نمی‌تواند به تنهایی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند. بنابراین دانش‌آموزانی که با روش اقتدار منطقی پرورش یافته‌اند از مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به دانش‌آموزانی که با دو روش سهل‌گیر و سخت‌گیرانه پرورش می‌یابند برخوردار بودند.

واژگان کلیدی: روش‌های تربیتی، مادران، مسئولیت‌پذیری، دانش‌آموزان پسر، آموزه‌های تربیت اسلامی

مقدمه

در نظام تربیتی اسلام، تربیت با ابعاد وجودی انسان مرتبط است. این ابعاد شامل بُعد عقلانی، اخلاقی، معنوی، اجتماعی و عاطفی است. تربیت مطلوب، تربیتی است که همه جنبه‌های شخصیت به‌طور یکسان رشد کنند چرا که این ابعاد بر هم اثر متقابل دارند (رحیمی و گوهری‌پور، ۱۳۸۹).

خانواده اولین و اساسی‌ترین نهاد اجتماعی و تربیتی و مؤثرترین عامل در رشد شخصیت انسان است که نقش آن تنها به ویژگی‌های وراثتی و جسمانی محدود نمی‌شود (سلیمانی، ۱۳۹۰). انتقال ارزش‌ها به فرزندان و تحکیم اعتقادات دینی آن‌ها به توافق بین اعضاء وابسته است. بدیهی است روابط والدین با فرزندان در درجه اول و تعاملات عاطفی - اخلاقی حاکم بر اعضای خانواده در مرتبه بعد در ایجاد و تحکیم ارزش‌های تربیتی فرزندان نقش اساسی ایفا می‌نماید (فضل‌الهی قمشی و ملکی‌توانا، ۱۳۹۳). بدیهی است اگر روابط خانواده قوی باشد پذیرش آموزش‌های دینی و انتقال ارزش‌ها از والدین به فرزندان آسان‌تر خواهد بود (صادقی و مظاهری، ۱۳۸۶). همراهی دو آفریده به نام فطرت و طبیعت (استعدادها، میل‌ها و نیازهای زیستی/ روانی) با تجربیات زندگی جریان اهداف زندگی را شکل می‌دهد (علم‌الهدی، ۱۳۸۸). شخصیت کودک، رهبر او در گذر از مرحله‌ای به مرحله دیگر زندگی است (فاطمی، ۱۳۸۹).

یکی از ویژگی‌ها و خصوصیات که همواره والدین و مربیان در صدد ایجاد و پرورش آن در متربیان می‌باشند «مسئولیت‌پذیری» است. اهمیت این ویژگی به حدی است که همواره پرورش این ویژگی مورد توجه ادیان مختلف، فلاسفه و نظریه‌پردازان حوزه تربیت قرار داشته است. در قرآن مجید آیات فراوانی وجود دارد که اهمیت مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی را برای انسان بیان کرده است؛ به‌عنوان مثال قبول مسئولیت در قرآن، به بار سنگین تشبیه شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى... هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد. در این آیه «وزر» به معنی سنگین است و در برخی از تفاسیر به معنای «گناه» و «مسئولیت» نیز آمده است. خداوند در این آیه ما را به این معنا رهنمون می‌نماید که بار سنگین مسئولیت را احدی جز خود انسان بر دوش نمی‌کشد و در روز رستاخیز هرکس

مسئول پاسخگویی به اعمال خویش است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۲۲۴). ابعاد این پاسخگویی به قدری وسیع است که حتی اعضاء و جوارح انسان را نیز در برمی‌گیرد. خداوند در قرآن می‌فرماید: وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (اسراء: ۳۶). از آنچه نمی‌دانی پیروی نکن؛ چرا که گوش، چشم و دل‌ها همه مسئولند. خداوند در وصف مؤمنان می‌فرماید: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ (انفال: ۲).

اهمیت توجه به اصل مسئولیت‌پذیری به حدی است که در انسان‌شناسی اسلامی این موضوع همواره مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس یکی از روش‌های برخورد با مشکلات رفتاری فرزندان روش «مسئولیت دادن» است. گاهی افراد برای فرار از مسئولیت خطا را به خدا نسبت می‌دهند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ» (نساء: ۷۹)؛ هرچه از خوبی به شما برسد از طرف خداوند است و هرچه خطا کنید از ناحیه خود شماست. اصل مسئولیت‌پذیری عبارت است از: «افزایش مقاومت فرد در برابر شرایط، تا به جای پیروی از فشارهای بیرونی از الزام‌های درونی تبعیت کند (باقری، ۱۳۹۰).

مسئولیت‌پذیر بودن نه تنها موجب انجام بهتر و صحیح امور می‌شود بلکه جلب اعتماد دیگران را نیز در پی دارد و میزان اعتبار اجتماعی افراد را نیز ارتقاء می‌بخشد. امام علی (ع) حیطه مسئولیت‌پذیری انسان را بسیار گسترده تعریف کرده و به کارگزاران خود در خصوص مسئولیت‌پذیر بودن نسبت به کلیه کارها و اقدامات چنین می‌فرماید: اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ: از خدا بترسید در حق بندگانش و شهرهایش، زیرا شما مسئولید (نهج‌البلاغه، ترجمه آیتی، خطبه ۱۶۷).

مسئولیت‌پذیری از چنان اهمیتی برخوردار است که در بسیاری از تفاسیر از امانت الهی، به همان تعهد و قبول مسئولیت یاد شده است و علت این که این امانت عظیم، به انسان سپرده شده است، این بود که او این قابلیت را داشت و می‌توانست ولایت الهی را پذیرا گردد، یعنی در جاده عبودیت و کمال به سوی معبود لایزال سیر کند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۷، ۸۶). چنان‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: اِنَّا عَرَضْنَا الْاٰمٰنَةَ عَلٰی السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَاَبَيْنَ اَنْ يَّحْمِلْنَهَا وَ اَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْاِنْسَانُ اِنَّهٗ

كَانَ ظَلُومًا جَهْلًا. ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم آن‌ها از حمل آن ابا کردند و از آن هراس داشتند اما انسان، آن را بر دوش کشید، او بسیار ظالم و جاهل بود (احزاب، ۷۲). مسئولیت‌پذیری در واقع همان پاسخ‌گویی است، پاسخ‌گویی یعنی اصالت دادن به حقوق دیگران، به این معنا که: شما حق دارید و من تکلیف دارم. مسئولیت‌پذیری انسان، برآمده از خودآگاهی و اختیار اوست؛ نوعی رفتار اخلاقی است که با الزام همراه بوده و تعهدآور است. مسئولیت‌پذیری به معنی متعلق بودن انتخاب‌ها و داشتن شخصیت پاسخگو برای خود و عمل مسئولانه در ارتباط با سایرین است. مسئولیت‌پذیری در ابعاد فردی و اجتماعی به مثابه ابزار اصلی حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی در عین احترام به تفاوت‌های موجود است (بهرامی، ملکیان و عابدی، ۱۳۸۳؛ ایزدی‌فرد و کاویار، ۱۳۸۹).

افراد مسئولیت‌پذیر دارای ویژگی‌های مشترکی هستند که عبارت‌اند از: آنچه را که متعهد به انجام آن می‌شوند به پایان می‌رسانند؛ دارای انعطاف‌پذیری بالایی هستند؛ اهداف و علائق گوناگونی دارند که برایشان قابل توجه است؛ بدون دلیل تراشی افراطی، به اشتباه‌های خود اعتراف می‌کنند و در این زمینه به تذکرات افراد ذی‌صلاح احترام گذاشته، آن‌ها را رعایت می‌کنند؛ می‌توانند از بین راه‌حل‌های مختلف، راه‌حل مناسب را انتخاب کرده و برای هرچه انجام می‌دهند، دلایلی را معین کنند، ثابت قدم، برنامه‌ریز، هدفمند، پای‌بند و جدان، فعال، پویا، منظم، کمال‌طلب بوده و می‌خواهند همه کارها بدون کم‌ترین لغزش و به مطلوب‌ترین شکل ممکن انجام شود؛ دارای روابط اجتماعی مطلوب بوده و در گروه‌های اجتماعی، بیش‌تر شنونده هستند تا گوینده. از شکست نمی‌ترسند و بیش‌تر از آن درس می‌گیرند؛ صرفه‌جو و وظیفه‌شناس، امین و درستکار، قابل اطمینان، اعتماد و سخت‌کوش هستند، دقت آن‌ها در انجام کارها زیاد است و رویکرد آن‌ها به مسائل، روشن و منطقی است، از ارضای نیازهای خود به خاطر نیازهای گروهی، چشم‌پوشی می‌کنند، پیامدهای رفتار خود را می‌پذیرند، نسبت به ارزش‌های اجتماعی منطقی، معقول، مؤدب، پخته و جدی هستند، در انجام وظایف پر انرژی و مصمم هستند، سطح انتظار آن‌ها بالاست و وضعیت تحصیلی آن‌ها خوب است، به والدین، دوستان و همکاران و به‌طور کلی، به دیگران احترام می‌گذارند، معمولاً اعتقاد مذهبی قوی دارند و برای اخلاقیات ارزش قائل‌اند، تلاش می‌نمایند تا

وظایف خود را بدون عیب و نقص و به موقع انجام دهند و در انجام وظایف نیازی به کنترل آنان نیست (حسینی‌راد، ۱۳۹۲؛ مارنات، ترجمه شریفی و نیک‌خو، ۱۳۹۲). مسئولیت‌پذیری یک رابطه دوطرفه بوده و فرایندی است که فرد باید از سال‌های آغازین زندگی خود در خانواده بیاموزد. به همین علت، سه عامل ارزش‌ها، طرز تلقی و مهارت والدین در ایجاد این خصوصیت دارای نقش اساسی است. ارزش‌ها و اعتقادات خانواده، تعیین‌کننده دامنه فعالیت والدین در جریان آموزش مسئولیت‌پذیری است. طرز تلقی والدین درباره میزان آزادی کودکان در داخل خانواده و دادن اجازه به آن‌ها برای ابراز احساسات نیز عامل دیگری در جریان آموزش مسئولیت به کودکان محسوب می‌شود. بدیهی است که تبحر و مهارت والدین در زمینه روش‌های تربیت کودک و نحوه مواجهه با رفتارهای کودک در موارد متعدد می‌تواند عامل تعیین‌کننده دیگری در آموزش مسئولیت به کودکان باشد (شفیع‌آبادی، ۱۳۷۳).

در نظام تربیتی اسلام، روش‌های تربیتی ناظر بر اصل مسئولیت‌پذیری عبارتند از: روش «مواجهه با نتایج اعمال»، روش «ابتلا»، روش «بیان مهر» و «قهر»، روش «هبه» و «محروم‌سازی»، روش «مرحله‌ای نمودن تکالیف» و روش «تجدید نظر در تکالیف» (باقری، ۱۳۹۰).

پشتوانه روش «مواجهه با نتایج اعمال» حب ذات آدمی است. براساس این روش باید به نشان دادن پیامدهای عمل فرد اکتفا کرد. فرض بر این است که هنگامی که فرد بیابد و ببیند که پیامد عمل او، زیان خود وی را بار می‌آورد یا آن که به سود خود اوست، زمینه مناسب برای یافتن انگیزه درونی نسبت به ترک یا انجام عمل را می‌یابد. با ظهور این انگیزه درونی، الزام بیرونی جای خود را به الزام درونی می‌دهد و فرد خود را از درون ملزم به ترک یا انجام عمل می‌بیند. مواجهه فرد با نتایج اعمال دارای دو رتبه است. یکی در رتبه «دریافتن» و دیگر در رتبه «دیدن». در رتبه نخست مربی متربی را نسبت به پیامدها آگاه می‌کند و در رتبه دیگر او را وامی‌دارد تا با نتایج اعمال روبه‌رو شود. به عبارت دیگر گاه نتایج را به پیشگاه او می‌آوریم و گاه او را به پیشگاه نتایج. این روش با هر دو رتبه در قرآن در سوره‌های بقره (۵۷)، حج (۳۲)، انعام (۱۰۴) و روم (۴۱) مورد توجه و استفاده قرار گرفته است (باقری، ۱۳۹۰).

دیگر روش‌هایی که مسئولیت‌پذیری را در متربی پرورش می‌دهد، روش «ابتلا»

است. آنچه در این روش مراد است این است که مربی بتواند علی‌رغم فشار و اقتضای شرایط، خود مبداء نحوه حرکت و شکل‌گیری خویش‌تن قرار گیرد. در این روش مقاومت نمودن در برابر فشار و پیروی کردن از الزام‌های درونی خود مفروض است. این روش مربی را زنده می‌کند، آلودگی‌ها و ناخالصی‌ها را از او می‌زداید و مایه جلا و درخشش وجود او می‌گردد. در قرآن از این روش در سوره‌های انبیاء (۳۵)، آل عمران (۱۵۴) و بقره (۱۲۴) مکرر یاد شده است (باقری، ۱۳۹۰).

روش بیان «مهر» و «قهر»، روش «هبه» و «محروم‌ساز» دو نوع از دیگر روش‌هایی است که مسئولیت‌پذیری را در متربیان پرورش می‌دهد. در روش اول «گفتار» مطرح است و در روش دوم «کردار». در روش‌های تربیتی اسلام، به زبان آوردن مهر مایه تحکیم پیوند تربیتی است و حفظ این پیوند لازمه و زمینه تأثیرگذاری مربی بر متربی است. در کتب روایی نیز وارد شده است. امام صادق (ع) فرمود: إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِذَلِكَ؛ فَإِنَّهُ أَثْبَتَ لِلْمَوَدَّةِ بَيْنَكُمَا؛ هرگاه محبت کسی را در دل داشتی باخبرش کن که این دوستی و مودت شما را استوارتر خواهد کرد (به نقل از باقری، ۱۳۹۰). خداوند خود در موضع تربیت این شیوه را به کار بسته است و می‌فرماید: وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي (طه: ۳۹). خداوند در مورد حضرت موسی می‌فرماید: من محبت خویش را شامل حال تو کردم تا تحت نظر من ساخته شوی.

در نظام تربیتی اسلام بیان «قهر» هم همانند «محبت» قدرتمند است. زیرا «قهر»، منع «مهر» است. اگر «مهر» نافذ باشد قطع آن نیز نافذ خواهد بود. یکی از مظاهر بارز بی‌مهری، «نکوهش» است نکوهش کردن از ابراز بی‌مهری غلیظتر و تندتر است. زیرا «نکوهش» جنبه ایجابی دارد و با تقبیح همراه است اما «بی‌مهری» تنها سلب مهر است. خداوند این سبک را مورد استفاده قرار داده است و می‌فرماید: وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بَشَرًا الْأَسْمَاءُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ؛ هرگز عیب‌جویی یکدیگر نکنید و به نام و القاب زشت، یکدیگر را نخوانید که پس از ایمان به خدا، نام فسق (بر مؤمن نهادن) بسیار زشت است (حجرات: ۱۲). ابراز «محبت» هنگامی که جامه عمل بپوشد به صورت هدیه نمودار می‌شود و «هبه» به صورت منع محبت از طریق محروم ساختن فرد از آنچه به وی ارزانی شده بود نمودار می‌شود. خداوند این شیوه را به کار گرفته است و خود را «وهاب» نامیده است.

دیگر روش‌هایی که مسئولیت‌پذیری را پرورش می‌دهد، روش «تکلیف در غایت وسع» و «مرحله‌ای نمودن تکالیف» است. خداوند در فرا خواندن مردم به تقوی دو گونه دعوت به عمل آورده است. گاه گفته می‌شود اتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ (تغابن: ۱۶) و گاه اینکه: وَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ (آل عمران: ۱۰۲). بر این اساس در نظام تربیتی اسلام، نظر بر آن است که مربی علاوه بر رعایت وسع افراد در عرضه تکالیف، گاه باید آنان را به چیزی فراتر از وسع دعوت کند تا در تلاش و پوییش وسع فراتر آنان پدیدار شود. روش «مرحله‌ای نمودن تکالیف» و یا «تجدیدنظر در تکالیف» مظهر اصل مسامحت است. خداوند در مقام تربیت، انجام پاره‌ای از تکالیف را به جای آن که یک‌باره و به تمامی درخواست کند، به تدریج در چند مرحله به میان آورده و نهایتاً صورت کامل تکلیف را مطرح ساخته است. ربا با اینکه از منفورترین پدیده‌های بشری در نزد خداوند است، با این حال خداوند آن را طی چند مرحله ممنوع و حرام اعلام کرده است. وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ: و آن چه از ربا آرید که در مال‌های مردم فزونی گیرد پس نزد خدا فزونی نگیرد و آنچه از زکات آرید و در پی کسب رضای خدا باشید پس آنانند فزونی گیرندگان. پس از آن در مدینه آیه دیگری نازل شد (آل عمران: ۱۳۰) که زبانی صریح‌تر دارد و مستقیماً رباخواری را نهی کرده و در آن وعده عذاب نیز گوشزد شده است. سرانجام در سوره بقره آیه ۲۷۹ نازل شد که شدیدترین لحن را در مورد رباخواری به کار گرفته است. پس به مقتضای این روش مربی باید پاره‌ای از تکالیف را که مایه زحمت است در چند مرحله تنظیم کند و صورت نهایی تکلیف را در مرحله آخر آشکار کند.

در برخورد با این روش‌های تربیتی، والدین چند دسته می‌شوند. عده‌ای سعی می‌کنند از این روش‌ها به‌جا و درست استفاده نمایند که این والدین، والدین «مقتدر» نام گرفته‌اند. به دلیل استفاده مناسب، به موقع و به اندازه والدین از روش‌های تربیتی ذکر شده این والدین همواره الگوی مناسبی برای فرزندان خود می‌باشند. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «وَكُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ»؛ مردم را با غیر زبانتان (با عملتان) به سوی خدا بخوانید (حرعاملی، ۱۱۰۴، ج ۱۵: ۲۴۶). این دسته از والدین در روش‌های تربیتی خود ترکیبی از مهر و قهر، ارائه تکلیف در غایت وسع، مرحله‌ای نمودن تکالیف

و انتظارات و تجدید نظر در تکالیف را در برخوردهای خود با فرزندان به کار می‌بندند. دسته‌ای دیگر از والدین هستند که در برخورد با این روش‌ها سخت‌گیرانه با فرزندان برخورد می‌کنند. منظور از شیوه سخت‌گیرانه این است که بدون توجه به توان فرزندان، از آنان انتظار دارند، از مرحله‌ای کردن تکالیف اجتناب می‌ورزند و قهر آنان بیش‌تر از مهر آنان است. دسته دیگر از والدین، در برخورد با این روش‌های تربیتی بسیار سهل‌گیر و آسان‌گیرانه برخورد می‌کنند. منظور از شیوه سهل‌گیرانه در نظام تربیتی اسلامی این است که برعکس روش سخت‌گیرانه، در این روش مهر والدین بیش‌تر از قهر آنان است. والدین همواره فرزندان خود را کاملاً آزاد می‌گذارند.

والدین سخت‌گیر و سهل‌گیر والدینی هستند که یا با آزادگذاری مطلق یا با توسل به اجبار در حوزه تربیت اقدام می‌کنند. این‌ها کسانی هستند که در تربیت فرزندان خود راه افراط را در پیش می‌گیرند. امام علی (ع) در این باب می‌فرماید: *الْأَفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشْبُ نِيرَانُ اللَّجَاجِ*، زیاده‌روی در سرزنش کردن، آتش لجاجت را شعله‌ور می‌سازد (حرانی، ۱۳۸۵: ۸۴). کمبود محبت و زیاده‌روی در ابراز محبت هر دو آسیب‌زا هستند. بنابراین لازم است محبت سرشار جلوه یابد و محدودیت‌های معقول اعمال گردد تا فرزندان معتدل بار آیند. میل به زیاده‌خواهی جز با تبیین حد و مرزهای معتدل و اعمال درست آن‌ها و ایستادگی بر آن‌ها سامان نمی‌یابد. در این صورت است که نه پدر و مادر به افراط کشیده می‌شوند و نه فرزندان گرفتار نافرمانی و ناراضی کردن پدر و مادر می‌گردند (دلشادتهرانی، ۱۳۷۶: ۸۴-۹۱).

سنت و سیره رسول خدا (ص) نیز پرهیز از جبر، فشار و تحمیل است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: *«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»* به برکت رحمت الهی در برابر آنان (مردم) نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران: ۱۵۹).

قرآن کریم راه را نشان می‌دهد و انتخاب را برعهده خود فرد می‌گذارد و تحمیل را در پذیرش این دعوت بر نمی‌تابد. در آیه *«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»* آمده است که؛ در قبول دین اکراه نیست زیرا راه درست از راه انحرافی روشن است (بقره، آیه ۲۵۶).

علاوه بر مکتب تربیتی اسلام، نظریه‌پردازان حوزه تربیت از جمله بامریند^۱ (۱۹۹۱) نیز همواره محیط و شرایط خانواده را هم به‌عنوان یک عامل مثبت و مهیاکننده زمینه‌های رشد و هم به‌عنوان یک عامل مخل و بازدارنده رشد معرفی نموده‌اند. شناخته‌ترین توصیف از شیوه‌های تربیتی مادران^۲، براساس پژوهش‌های بامریند قرار دارد (وولفولک^۳، ۲۰۰۷). بامریند (۱۹۹۱) سه سبک فرزندپروری سخت‌گیرانه^۴، مقتدرانه^۵ و سهل‌گیرانه^۶ را با در نظر گرفتن کنترل والدینی ارائه کرده است. به اعتقاد وی والدین دیکتاتور (مستبد)، تعامل سرد همراه با کنترل زیاد، والدین مقتدر کنترل همراه با گرمی و پاسخ‌گویی را بر فرزندانشان اعمال می‌کنند، در حالی که والدین سهل‌گیر انتظارات اندکی از فرزندان خود داشته و همواره در مقابل فرزندان خود پاسخگو بوده ولی هیچ‌کترلی روی فرزندان خود ندارند (بامریند، ۱۹۹۱).

علاوه بر بامریند، پژوهشگران دیگر از جمله سیموندز^۷ (۱۹۳۹) این ابعاد را پذیرش / طرد و مسلط / مطیع، شیفر (۱۹۵۹)، به نقل از پرچم و همکاران، (۱۳۹۱) عشق / خصومت و خودمختاری / کنترل مطرح نموده‌اند.

پژوهش‌های انجام شده در این زمینه تقریباً متنوع‌اند که در اینجا به مرور برخی از مرتبط‌ترین پژوهش‌ها پرداخته شده است. صدرالسادات، شمسی‌اسفندآباد و امامی‌پور (۱۳۸۴) نشان دادند در سرزمین ما روش‌های تربیتی کودکان متأثر از اطلاعات متنوع و متغیری است که برگرفته از مأخذ متنوع و متعدد مانند فرهنگ دینی، روش‌های سنتی و فرهنگ غربی است، برای مثال بسیاری از خانواده‌های ایرانی با توجه به زمینه‌ها و خاستگاه تربیت غربی دچار رواج فرزندسالاری در تربیت کودکان شده‌اند. محمدی و لطیفیان (۱۳۸۶) نشان دادند که بعد گرمی - سردی در روابط والدین با نوجوانان پیش‌بینی‌کننده مثبت و معناداری برای رشد هویتی و تعهد هویت است. به اعتقاد این محققان از آنجا که نوع تعامل‌های والدین با نوجوانان تأثیر قابل توجهی در حرمت خود و برخی متغیرهای شخصیتی و موفقیت در زندگی آینده نوجوانان

- 1 Baumrind
- 2 parenting styles
- 3 Woolfolk
- 4 authoritarian
- 5 authoritative
- 6 permissive
- 7 Simmondez

دارد و بسیاری از ویژگی‌های رفتاری، مفهوم خود و هویت نوجوانان ناشی از برخی عوامل خانوادگی از جمله نوع تعامل والدین با نوجوانان است ضروری است که به نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین با نوجوانان توجه شود. ناکاگاوا (۲۰۰۳)؛ به نقل از اخلاصی، (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای نشان داد والدینی که مسئولیت‌پذیری کم‌تری دارند، در فرزندان‌شان قانون‌گریزی و پرخاشگری نیز مشاهده می‌شود، به بیان دیگر این‌گونه فرزندان دائم «غروند» می‌کنند و از دیگران اعم از معلمان، مربیان، والدین و همسالان خود احساس طلبکاری دارند.

گوردون (۲۰۰۳) نشان داد فرزندان والدینی که با سبک فرزندپروری مقتدرانه پرورش یافته‌اند از میزان مسئولیت‌پذیری بالاتری نسبت به فرزندان والدینی که با سبک‌های فرزندپروری سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه پرورش یافته‌اند، برخوردارند. به عبارت دیگر بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و مسئولیت‌پذیری رابطه مثبت معنادار وجود دارد در حالی که بین دو سبک فرزندپروری سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه با مسئولیت‌پذیری رابطه منفی معنادار وجود دارد.

هدایتی، فاتحی‌زاده، آکوچیان، بهرامی و اعتمادی (۱۳۸۷) یادآور شدند که شیوه‌های فرزندپروری بر میزان مسئولیت‌پذیری نوجوانان مؤثرند. کردلو (۱۳۸۷) نشان داد که بین مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج نشان‌داد ارتباط معناداری بین احساس امنیت، تعلق و عزت‌نفس با مسئولیت‌پذیری وجود دارد. همین‌طور نتایج نشان داد که بین مسئولیت‌پذیری فرزندان در مدرسه و خانه به میزان زیادی همبستگی وجود دارد. مزیدی و البرزی (۱۳۸۸) نشان دادند که بین خودپنداری کودکان و شیوه‌های فرزندپروری والدین همبستگی معناداری وجود دارد. دانش‌آموزان دختر و پسر برای نظر پدر و مادر خود نسبت به معلم و دوستان خود اهمیت بیشتری قائل هستند. خدابخشی و عابدی (۱۳۸۸) نشان دادند که آموزش به شیوه انضباط مثبت و واقعیت‌درمانی در پسران و دختران در هر سه نوع سنجش (والد، دبیر و خودارزیابی) و در هر دو مرحله پس‌آزمون و پیگیری مؤثر بوده است. بقائیان (۱۳۹۰) یادآور شد که سبک فرزندپروری سخت‌گیرانه و عزت‌نفس می‌تواند به‌طور معناداری اهمال‌کاری را پیش‌بینی کند و دو سبک فرزندپروری مقتدرانه و سهل‌گیرانه دارای رابطه معناداری با اهمال‌کاری نمی‌باشند.

دیدار (۱۳۹۲) نشان داد که بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه، مقتدرانه و سخت‌گیرانه والدین با عزت نفس نوجوانان همبستگی وجود دارد. بنابراین متغیرهای فرزندپروری می‌توانند عزت نفس نوجوانان را پیش‌بینی کنند. بیرامی و علائی (۱۳۹۲) نشان دادند که بین تعداد فرزندان و شیوه فرزندپروری سخت‌گیرانه و کناره‌گیری فرزندان رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین یادآور شدند که محیط عاطفی خانواده با تعداد و انواع آن رابطه داشته و بعد محبت نسبت به بعد کنترل متغیر پیش‌بین قوی‌تری است. مروری بر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه حاکی از این است که عمده پژوهش‌های انجام شده در این زمینه به بررسی رابطه متغیر شیوه‌های فرزندپروری با متغیرهای متفاوت از مسئولیت‌پذیری (آن هم با مبانی نظری متفاوت از مبانی نظری تعلیم و تربیت اسلامی) پرداخته شده است. از این رو سوالی که در این پژوهش مطرح است این است که آیا بین شیوه‌های تربیتی (برگرفته از آموزه‌های تربیتی اسلام) مادران و مسئولیت‌پذیری پسران رابطه وجود دارد یا نه؟

روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش کلیه دانش‌آموزان پسر پایه ششم شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ مدارس ابتدایی دولتی و غیرانتفاعی شهرستان بروجرد بود که به عنوان جامعه این پژوهش محسوب می‌شوند. کل جمعیت دبستان‌های پسرانه شهرستان مجموعاً ۲۰۰۰ دانش‌آموز بوده است. ابتدا از بین کلیه مدارس ابتدایی شهرستان بروجرد، ۵ مدرسه (۲ غیرانتفاعی، ۳ دولتی) به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شدند. پس از گرفتن مجوز از آموزش و پرورش شهرستان و هماهنگی‌های لازم با مدارس، از بین دانش‌آموزان این ۵ مدرسه منتخب، ۳۰۰ نفر دانش‌آموز پسر پایه ششم به طور تصادفی خوشه‌ای براساس جدول مورگان انتخاب گردیدند. پس از یک گفت‌وگوی مختصر در زمینه معارفه و اهداف اجرای این پژوهش، و نیز ارائه توضیحاتی برای آزمودنی‌ها در خصوص نحوه پاسخ دادن به سؤالات، پرسش‌نامه‌ها بین آن‌ها توزیع گردید. در نهایت تعداد ۲۵۰ پرسش‌نامه از ۳۰۰ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (لازم به ذکر است که ۵۰ پرسش‌نامه حذفی پرسش‌نامه‌هایی بودند که اطلاعات آنان ناقص بود).

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

در این پژوهش از دو پرسش‌نامه ۱. پرسش‌نامه محقق ساخته شیوه تربیتی براساس آموزه‌های تربیت اسلامی مادران (اسفندیاری، ۱۳۷۴) و ۲. پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری نوجوانان (نعمتی، ۱۳۸۸) استفاده گردید.

۱. پرسش‌نامه تجدید نظر شده شیوه‌های تربیتی مادران براساس آموزه‌های اسلامی: این پرسش‌نامه توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) براساس روش‌های تربیتی برگرفته از شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) تدوین شده است. در این پژوهش مجدداً پرسش‌نامه با حفظ ساختار کلی‌اش با روش‌های تربیتی اسلام که مروج مسئولیت‌پذیری است و شرح مختصر آن در ادبیات پژوهش آمده است تطبیق داده شد و مواردی که لازم بود اضافه شد و ویراستاری لازم انجام شد که پس از انجام ویراستاری در اختیار تعداد معدودی از روان‌شناسان تربیتی و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت قرار داده شد که هم به لحاظ انطباق سؤالات با اهداف پژوهش و انطباق سؤالات با مؤلفه‌ها اظهار نظر کنند. براساس اظهارنظرهای صاحب‌نظران و متخصصان نسخه نهایی تنظیم و برای اجرای اصلی آماده شد. نسخه نهایی پرسش‌نامه دارای ۰۳ ماده است که ۰۱ ماده آن مرتبط با شیوه تربیتی سهل‌گیرانه مادران، ۰۱ ماده مرتبط با شیوه سخت‌گیرانه مادران و ۰۱ ماده دیگر مرتبط با شیوه اقتدار منطقی مادران می‌باشد. در این پرسش‌نامه از دانش‌آموزان پسر خواسته می‌شود که روش‌های تربیتی مادران خود را ارزیابی نمایند. اسفندیاری (۱۳۷۴) پایایی این پرسش‌نامه را به روش بازآزمایی و براساس محاسبه ضریب آلفا برای سهل‌گیری ۰/۶۹، برای سخت‌گیری ۰/۷۷ و اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش نموده است. در این مطالعه روایی پرسش‌نامه به صورت محتوایی براساس انطباق پرسش‌نامه با اهداف پژوهش و روش‌های تربیتی مروج مسئولیت‌پذیری و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ تعیین شده است که در حد مطلوب و رضایت‌بخش می‌باشد. ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های این پرسش‌نامه در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. ضرایب آلفای کرونباخ مربوط به خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه شیوه تربیتی مادران

خرده‌مقیاس‌های فرزندپروری	تعداد سؤال	ضریب آلفای کرونباخ
سهل‌گیرانه	۱۰	۰/۶۱
سخت‌گیرانه	۱۰	۰/۷۳
اقتدار منطقی	۱۰	۰/۷۸

داده‌های حاصل از جدول ۱، حاکی از این است که ضرایب اعتبار خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه شیوه تربیتی مادران به لحاظ آماری معنادار بوده است. از این رو پرسش‌نامه فوق‌الذکر از پایایی برخوردار است.

۲. پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری نوجوانان (دانش‌آموزان): این پرسش‌نامه توسط نعمتی (۸۸۳۱) زیر نظر کرمی ساخته و هنجاریابی شده است که شامل ۵۰ سؤال است. در این پرسش‌نامه براساس ادبیات تعلیم و تربیت اسلامی هفت عامل به‌عنوان عوامل مسئولیت‌پذیری مشخص شده‌اند که شامل خودمدیریتی، نظم‌پذیری، قانونمندی، امانت‌داری، وظیفه‌شناسی، سازمان‌یافتگی و پیشرفت‌گرایی است. از این تعداد، ۰۱ سؤال مربوط به عامل اول، ۹ سؤال مربوط به عامل دوم، ۱۲ سؤال مربوط به عامل سوم، ۵ سؤال مربوط به عامل چهارم، ۴ سؤال مربوط به عامل پنجم، ۶ سؤال مربوط به عامل ششم و ۴ سؤال مربوط به عامل هفتم است. روش نمره‌گذاری این پرسش‌نامه براساس مقیاس لیکرتی ۵ درجه‌ای تنظیم شده است. بدین معنی که هر گویه شامل ۵ گزینه است: کاملاً موافق، موافق، بی‌نظر، مخالف، کاملاً مخالف. نمره‌گذاری از سیستم ۱ تا ۵ پیروی می‌کند. در سؤالاتی که مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند، اگر آزمودنی گزینه کاملاً مخالف را انتخاب کند، نمره یک، گزینه مخالف، نمره دو، گزینه بی‌نظر، نمره سه، گزینه موافق، نمره چهار و گزینه کاملاً موافق نمره پنج را دریافت می‌کند. رویای پرسش‌نامه توسط متخصصان به‌صورت محتوایی مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. جهت تعیین پایایی یا به عبارتی همسانی درونی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده که در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. ضرایب آلفای کرونباخ مربوط به خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان

خرده‌مقیاس‌های مسئولیت‌پذیری	تعداد سؤال	ضریب آلفای کرونباخ
خودمدیریتی	۱۰	۰/۷۲
نظم‌پذیری	۹	۰/۷۴
قانونمندی	۱۲	۰/۸۲
امانت‌داری	۵	۰/۸۹
وظیفه‌شناسی	۵	۰/۷۸
سازمان‌یافتگی	۶	۰/۸۱
پیشرفت‌گرایی	۴	۰/۸۳

داده‌های حاصل از جدول ۲، حاکی از این است که ضرایب به لحاظ آماری معنادار بوده از این رو پرسش‌نامه مسئولیت‌پذیری نوجوانان از پایایی برخوردار است.

یافته‌ها

برای بررسی رابطه شیوه‌های تربیتی مادران و مسئولیت‌پذیری پسران میانگین و انحراف معیار دیدگاه دانش‌آموزان پیرامون این دو حوزه در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. مشخصه‌های توصیفی روش‌های تربیتی مادران و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان

متغیرها و خرده‌مقیاس‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
سهل‌گیرانه	۲۵۰	۱۵/۵۸	۵/۰۸	۴	۳۲
سخت‌گیرانه	۲۵۰	۲۳/۰۵	۱۷/۹۰	۱	۵۰
اقتدار منطقی	۲۵۰	۴۰/۵۰	۱۸/۳۹	۳	۵۰
نمره کل	۲۵۰	۶۴/۷۶	۱۰/۰۷	۲۰	۹۴

جدول ۳. مشخصه‌های توصیفی روش‌های تربیتی مادران و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان (ادامه)

متغیرها و خرده مقیاس‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
خودمدیریتی	۲۵۰	۴۱/۵۸	۵/۳۷	۲۵	۵۰
نظم‌پذیری	۲۵۰	۳۵/۸۸	۶/۳۲	۱۵	۴۵
قانونمندی	۲۵۰	۴۷/۰۵	۷/۶۹	۱۵	۶۰
امانت‌داری	۲۵۰	۲۱/۷۶	۲/۶۶	۱۳	۲۵
وظیفه‌شناسی	۲۵۰	۱۷/۳۸	۲/۲۱	۸	۲۰
سازمان‌یافتگی	۲۵۰	۱۹/۷۰	۳/۹۵	۸	۳۰
پیشرفت‌گرایی	۲۵۰	۱۶/۶۸	۲/۳۷	۹	۲۰
نمره کل	۲۵۰	۲۰۰/۰۶۴	۲۱/۸۱	۱۲۶	۲۴۵

مسئولیت‌پذیری

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین و انحراف معیار نمره کل روش‌های تربیتی مادران به ترتیب ۶۴/۷۶ و ۱۰/۰۷ است که کمترین و بیشترین نمره کسب شده توسط نمونه پژوهش به ترتیب ۲۰ و ۹۴ است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در بین روش‌های تربیتی مادران کم‌ترین میانگین مربوط به روش سهل‌گیری (۱۵/۵۸) و بیشترین میانگین مربوط به روش اقتدار منطقی (۴۰/۵۰) می‌باشد.

همچنین میانگین نمره مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مورد مطالعه ۲۰۰/۰۶۴ با انحراف معیار ۲۱/۸۱ است که کم‌ترین نمره کسب شده توسط دانش‌آموزان ۱۲۶ و بیشترین نمره ۲۴۵ است. همچنین در بین خرده مقیاس‌های هفتگانه مسئولیت‌پذیری، کمترین میانگین مربوط به خرده مقیاس پیشرفت‌گرایی (۱۶/۶۸) و بیشترین میانگین مربوط به خرده مقیاس قانونمندی (۴۷/۰۵) است. جهت بررسی رابطه بین دو متغیر آزمون ضریب همبستگی پیرسون انجام شد که نتایج آن در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش
(شیوه‌های تربیتی مادران و مسئولیت‌پذیری)

متغیر	خردمقیاس‌ها	نمره کل	سهل‌گیرانه	سخت‌گیرانه	اقتدار منطقی	نمره کل	خودمدیریتی	نظم‌پذیری	قانونمندی	امانت‌داری	وظیفه‌شناسی	سازمان‌یافتگی	پیشرفت‌گرایی
شیوه تربیتی مادران	نمره کل	۱											
	سهل‌گیرانه	۰/۶۲**	۱										
	سخت‌گیرانه	۰/۷۰**	-۰/۲۱**	۱									
	اقتدار منطقی	۰/۴۸**	-۰/۲۴*	-۰/۴۵*	۱								
مسئولیت‌پذیری	نمره کل	۰/۵۸	-۰/۱۴*	-۰/۳۴*	۰/۲۸*	۱							
	خودمدیریتی	۰/۷۹	-۰/۰۸	۰/۵۵	۰/۱۶*	۰/۷۸**	۱						
	نظم‌پذیری	۰/۰۸	-۰/۰۷۶	۰/۱۱	۰/۰۷۵	۰/۷۶*	۰/۶۴*	۱					
	قانونمندی	-۰/۰۰۳	-۰/۱۹**	-۰/۱۲	۰/۳۳**	۰/۷۸**	۰/۴۰*	۰/۳۷*	۱				
	امانت‌داری	۰/۰۹۸	-۰/۰۴۶	-۰/۰۰۴	۰/۲۴**	۰/۶۵*	۰/۴۷*	۰/۳۹*	۰/۴۶*	۱			
	وظیفه‌شناسی	۰/۰۷۲	-۰/۰۱۲	۰/۰۲۵	۰/۲۳**	۰/۵۶*	۰/۴۶*	۰/۳۷*	۰/۳۶*	۰/۴۰*	۱		
	سازمان‌یافتگی	۰/۰۲۴	-۰/۰۵۹	-۰/۱۰۹	۰/۲۳**	۰/۶۲*	۰/۳۰*	۰/۲۹*	۰/۵۸*	۰/۲۹*	۰/۲۱**	۱	
	پیشرفت‌گرایی	-۰/۰۱۲*	۰/۰۲۴	۰/۰۸۲	۰/۱۱	۰/۵۶*	۰/۴۸*	۰/۴۳*	۰/۲۵*	۰/۴۵*	۰/۳۴*	۰/۱۹**	۱

$$p \leq 0/05^* \quad p \leq 0/01^{**}$$

یافته‌های حاصل از اجرای آزمون ضریب همبستگی پیرسون به منظور بررسی رابطه دو به دویی متغیرهای پژوهش نشان داد که بین روش‌های تربیتی سهل‌گیرانه و نمره کل مسئولیت‌پذیری ($r_{xy} = -0/14, p \leq 0/05$)، بین نمره کل شیوه‌های تربیتی و پیشرفت‌گرایی ($r_{xy} = -0/12, p \leq 0/05$) و بین روش‌های تربیتی سهل‌گیرانه و قانونمندی ($r_{xy} = -0/19, p \leq 0/01$) همبستگی منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین روش‌های تربیتی اقتدار منطقی با خودمدیریتی ($r_{xy} = 0/16, p \leq 0/01$)، قانونمندی ($r_{xy} = 0/32, p \leq 0/01$)، امانت‌داری ($r_{xy} = 0/24, p \leq 0/01$)، وظیفه‌شناسی ($r_{xy} = 0/23, p \leq 0/01$) و سازمان‌یافتگی ($r_{xy} = 0/23, p \leq 0/01$) همبستگی مثبت و معناداری مشاهده شده است. بین سایر خرده‌مقیاس‌های روش‌های تربیتی مادران و مسئولیت‌پذیری رابطه معناداری مشاهده نشده است.

در بررسی رابطه شیوه‌های تربیتی مادران و مؤلفه‌های آن با یکدیگر یافته‌ها نشان داد که بین روش‌های تربیتی سهل‌گیرانه و نمره کل شیوه‌های تربیتی مادران ($r_{xy} = 0/62, p \leq 0/01$)، روش‌های تربیتی سخت‌گیرانه و نمره کل روش‌های تربیتی ($r_{xy} = 0/70, p \leq 0/01$)، روش اقتدار منطقی و نمره کل شیوه‌های تربیتی مادران ($r_{xy} = 0/48, p \leq 0/01$) و روش تربیتی سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه ($r_{xy} = -0/21, p \leq 0/01$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین روش اقتدار منطقی با روش سهل‌گیرانه ($r_{xy} = -0/24, p \leq 0/05$) و سخت‌گیرانه ($r_{xy} = 0/45, p \leq 0/05$) رابطه معناداری وجود ندارد.

در بررسی رابطه دو به دویی ابعاد متغیر مسئولیت‌پذیری نیز یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که بین تمامی ابعاد مسئولیت‌پذیری رابطه مثبت و معناداری مشاهده شده است که کمترین مقدار همبستگی بین سازمان‌یافتگی و وظیفه‌شناسی ($r_{xy} = 0/21, p \leq 0/01$) و بیشترین مقدار همبستگی بین نمره کل مسئولیت‌پذیری و قانونمندی ($r_{xy} = 0/78, p \leq 0/01$) و بین نمره کل مسئولیت‌پذیری و خود‌مدیریتی ($r_{xy} = 0/78, p \leq 0/01$) است.

به منظور بررسی رابطه ابعاد شیوه تربیتی مادران در پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد که در ابتدا یافته‌های حاصل از بررسی مفروضه‌های آماری این آزمون بررسی و در ادامه یافته‌های حاصل از رگرسیون چندگانه ارائه شده است.

جدول ۵. بررسی مفروضه‌های آماری آزمون رگرسیون چندگانه

مفروضه استقلال خطاها	مفروضه همخطی متغیرها		متغیر پیش‌بین	
	آمار همبستگی			
(دوربین - واتسون)	VIF (تورم واریانس)	Tolerance (تولرانس)	سهل‌گیرانه	
	۱/۰۴۵	۰/۹۵۷		سخت‌گیرانه
	۱/۰۴۶	۰/۹۵۶		اقتدار منطقی
۲/۰۲۱	۱/۰۰۲	۰/۹۹۸		

در بررسی مفروضه هم خطی متغیرها، یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که مقدار شاخص تحمل واریانس ($<1 \text{ Tolerance}$) مناسب است و مقدار شاخص VIF نیز کوچکتر از ۱۰ است ($VIF < 10$). این یافته نشان می‌دهد که مفروضه هم خطی متغیرها رعایت شده است. همچنین در بررسی مفروضه استقلال خطاهای متغیرهای پیش‌بینی نیز یافته‌ها نشان می‌دهد که مقدار شاخص دوربین واتسون ($2/021 > \text{Durbin-Watson}$) می‌باشد که بیانگر رعایت این مفروضه است.

جدول ۶. تحلیل واریانس رگرسیون مؤلفه‌های شیوه‌های تربیتی والدین در پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	F	سطح معناداری
۰/۳۱	۰/۱۰	۰/۰۹	۸/۷۲	۰/۰۰۱

$$p \leq 0/001^{**}$$

داده‌های حاصل از جدول ۶ نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بینی به صورت ترکیبی می‌توانند مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند ($F_{(3, 246)} = 8/72, p \leq 0/001, R^2 = 0/10$) مجذور ضریب همبستگی چندگانه نیز ($R^2 = 0/10$) نشان می‌دهد که این متغیرها می‌توانند به صورت ترکیبی ۱۰ درصد از تغییرات متغیر مسئولیت‌پذیری را در دانش‌آموزان پسر تعیین کنند. جهت آگاهی از قدرت پیش‌بینی تک تک متغیرها از آزمون تحلیل رگرسیون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷. ضرایب رگرسیون استاندارد شده مؤلفه‌های شیوه‌های تربیتی والدین در پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان

متغیرهای پیش‌بین	ضرایب رگرسیون B	SE	ضرایب رگرسیون β	t	سطح معناداری
سهل‌گیرانه	-۰/۵۶	۰/۲۶	-۰/۱۳	-۲/۱۰	۰/۰۳۶*
سخت‌گیرانه	۰/۰۱۸	۰/۲۱	۰/۰۰۵	۰/۰۸۲	۰/۹۳*
اقتدار منطقی	۱/۱۵	۰/۲۵	۰/۲۷	۴/۵۹	۰/۰۰۱**

$$p \leq 0/05^* \quad p \leq 0/001^{**}$$

داده‌های حاصل از جدول ۷ نشان می‌دهد که ضرایب رگرسیون استاندارد شده متغیرهای پیش‌بین معنادار می‌باشند. زیرا مقدار t مشاهده شده برای هر یک از متغیرهای پیش‌بین از مقدار بحرانی ۱۲۱ بزرگتر هستند. در چنین شرایطی می‌توان گفت که متغیرهای پیش‌بین می‌توانند متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند. روش‌های تربیتی سهل‌گیرانه ($\beta = -0/13$, $t = -2/10$, $p \leq 0/05$) و روش اقتدار منطقی ($\beta = 0/27$, $t = 4/59$, $p \leq 0/001$) به ترتیب می‌توانند مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر را به صورت معکوس و مستقیم پیش‌بینی کنند. اما روش تربیتی سخت‌گیرانه ($t = 0/082$, $p \geq 0/05$) نمی‌تواند به تنهایی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند زیرا که مقدار t مشاهده شده برای این متغیر از مقدار بحرانی ۱۲۱ کوچکتر است و معنادار نمی‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از اجرای پژوهش بررسی رابطه بین شیوه‌های تربیتی مادران و مسئولیت‌پذیری فرزندان پسر است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که بین شیوه‌های تربیتی مادران و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر همبستگی معنادار وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای پیش‌بین به صورت ترکیبی می‌توانند مسئولیت‌پذیری پسران را پیش‌بینی کنند. پژوهش حاضر بیانگر این است که بین روش تربیتی اقتدار منطقی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر رابطه مثبت معناداری وجود دارد. علت وجود این رابطه مثبت و معنادار این است که این دسته والدین همواره توانایی و وسع فرزندان خود را رعایت می‌کنند، همواره به مرحله‌ای کردن تکالیف درخواستی می‌پردازند و محدودیت را به تناسب مورد استفاده قرار می‌دهند. در تبیین این یافته می‌توان گفت فرزندان هر یک از این خانواده‌های سه‌گانه سهل‌گیر، سخت‌گیر و مقتدر ویژگی‌هایی دارند که متفاوت از فرزندان دیگر خانواده‌هاست. یکی از این تفاوت‌ها مربوط به میزان مسئولیت‌پذیری آن‌هاست. بالاترین میزان مسئولیت‌پذیری در بین کودکان خانواده‌های مقتدر یا دارای اقتدار منطقی و کم‌ترین میزان مسئولیت‌پذیری در بین فرزندان خانواده‌های سهل‌گیر و سخت‌گیر مشاهده می‌شود. توقع والدین مقتدر با توانایی فرزندان در پذیرش مسئولیت متناسب است. از این رو این دسته از والدین فرزندان خود را متقاعد می‌کنند که افراد باکفایتی هستند و می‌توانند موفقیت کسب نمایند. این برخورد موجب رفتار پخته و مستقل در آن‌ها می‌شود. والدین مقتدر، هم برای رفتار خود مختارانه و هم برای انضباط ارزش قائل‌اند زیرا معتقدند که کنترل منطقی

و آزادی حساب شده موجب می‌گردد کودکان قوانین و اصول رفتارهای صحیح را درونی کنند، و در قبال رفتار و اعمال خود احساس مسئولیت نمایند. این دسته از والدین علاوه بر اینکه گرم و با محبت هستند، کودکانشان را به طرف استقلال سوق می‌دهند. در واقع فرزندان خانواده‌های مقتدر به دلیل اینکه از استقلال لازم برخوردار بوده و در عین حال مورد حمایت‌های به‌جا و مناسب قرار می‌گیرند، در تصمیم‌گیری‌های مهم خانوادگی سهیم‌اند، بیش از کودکان سایر سبک‌های خانوادگی متعهد بوده و در امور خانواده مشارکت داشته و مسئولیت‌پذیرترند. این یافته با ادبیات تعلیم و تربیت اسلامی در حوزه سبک‌های تربیتی همسو است. خداوند هم خود در وسع مخاطبین سخن گفته و تکلیف کرده است و در سوره طلاق (۷) آمده است لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا: خدا کسی را تکلیف نمی‌کند مگر به قدر آن چه به او داده است و رسولان خود را نیز به چنین مواجهه‌ای با مردم امر کرده است. بر این اساس در نظام تربیتی اسلام والدین تنها مجاز هستند به وسع مخاطب نظر دوخته و بر پایه آن تکلیف نمایند (باقری، ۱۳۹۰). علاوه بر این یافته‌های فوق با نتایج پژوهش دیدار (۱۳۹۲)، بقائیان (۱۳۹۰)، خدابخشی و عابدی (۱۳۸۸)، هدایتی و همکاران (۱۳۸۷)، کردلو (۱۳۸۷) و گوردون (۲۰۰۳) همخوانی دارد.

یافته دیگر این پژوهش این است که بین شیوه تربیتی سهل‌گیرانه مادران و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان رابطه معکوس وجود دارد. به عبارت دیگر، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه می‌تواند مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را در جهت معکوس پیش‌بینی کنند. در تبیین این یافته لازم به ذکر است که والدینی که همه‌چیز را برای کودک مهیا و آماده می‌کنند (والدین سهل‌گیر)، به‌طوری که حتی قبل از آن که کودک چیزی بخواهد آن را در اختیارش می‌گذارند، فضای فکری خوبی برای او ایجاد نمی‌کنند تا او کمبودهای خود را حس کند و بفهمد که برای برطرف کردن نیازهای خود باید قدمی بردارد. این دسته از والدین به دلیل این‌که در برابر خواست‌ها و اعمال کودکان خود موافق و پذیرنده هستند یا به عبارتی بسیار پاسخگو هستند و به آن‌ها فرصت انجام مسئولیت نمی‌دهند لذا فرزندان آن‌ها غیرمسئول بار آمده و حتی در پاسخ به انجام وظایف روزمره زندگی خود احساس مسئولیت نمی‌کنند. این یافته همسو با یافته‌های دیدار (۱۳۹۲)، هدایتی و همکاران (۱۳۸۷)، گوردون (۲۰۰۳) و ناکاگوا (۲۰۰۳)، به نقل از اخلاصی، (۱۳۸۶) همسو و با روش‌های تربیت اسلامی ناهمسو است. در نظام تربیتی اسلام از جمله روش‌هایی که برای مسئولیت‌پذیری فرزندان پیشنهاد شده است روش «مواجهه با نتایج اعمال» و روش «ابتلا» است. روش مواجهه فرد با نتایج اعمالش دارای دو رتبه است یکی در رتبه «دریافتن» و دیگری در رتبه «دیدن». در رتبه دیدن،

مسئله آن است که فرزندان عواقب عمل خود را شهود کنند و بچشند. خداوند در مورد انسان این شیوه را به‌کار بسته است و به‌کار می‌برد. دلیل این سخن آن است که خداوند چنین خواسته است که آثار ناگوار اعمال انسان به وی اصابت کند (نساء: ۷۹، آل عمران: ۱۶۶، روم: ۴۱). این روش با روش سهل‌گیری در فرایند تربیت که توسط برخی از والدین مورد استفاده قرار می‌گیرد ناهمسو است. در روش ابتلا هم که یکی دیگر از روش‌های تربیتی در نظام تربیتی اسلام است، والدین به‌عنوان مربی باید فرزندان خود را در کام عمل بیفکنند تا او خود پستی‌ها و بلندی‌ها را زیر پا بگیرد و با خوشی‌ها و ناخوشی‌ها در آویزد. خداوند در مقام تربیت ابراهیم با او چنین کرد (بقره: ۱۲۴). دیگر یافته‌های پژوهش این است که شیوه تربیتی سخت‌گیرانه مادران نمی‌تواند مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را پیش‌بینی کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت: در شیوه تربیت استبدادی، والدین به نظر فرزندان خود اهمیت نمی‌دهند. تنبیه در این شیوه رواج دارد و موجب می‌شود مهارت‌هایی مانند دوست‌یابی، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در کودکان رشد نکند. این یافته همسو با روش‌های تربیت اسلامی است. در نظام تربیت اسلامی بر مرحله‌ای نمودن تکالیف (روم: ۳۹، آل عمران: ۱۳۰ و بقره: ۲۷۹) تأکید شده است و در قرآن آمده است که مربی باید همواره توان و ظرفیت متربیان را در نظر داشته باشد و در صورتی که انجام پاره‌ای از تکالیف مایه زحمت فرزندان یا متربیان است، آن تکالیف را در چند مرحله تنظیم نماید. علاوه بر این همواره در صورتی که ضعف تربیتی در به‌دوش گرفتن تکالیف مورد انتظار عملاً آشکار شد مربی به تجدید نظر در تکالیف بپردازد (انفال: ۶۶-۶۵).

ضمن اینکه پژوهش‌های انجام شده از جمله سلطان‌نژاد (۱۳۹۲)، سعیدی (۱۳۹۱)، بقائیان (۱۳۹۰)، هدایتی و همکاران (۱۳۸۷) و گوردون (۲۰۰۳) هم نشان می‌دهند که اگر والدین بسیار سخت‌گیر و دیکتاتور باشند، مانع پیشرفت و توسعه کنجکاوی و خلاقیت کودک خود می‌شوند. والدینی که اجازه نمی‌دهند کودک ابراز وجود و یا اظهار نظر کند، مانع بروز استعدادها بالقوه او می‌شوند. در نتیجه، این‌گونه کودکان در آینده روان‌آزرده و پرخاشگر خواهند شد. سرزنش و نکوهش، عامل دیگری است که فرزندان را خاطمی می‌کند و موجب می‌شود که آتش لجبازی و عدم مسئولیت‌پذیری در آن‌ها شعله‌ور گردد. فقدان محبت در این‌گونه خانواده‌ها نیز موجب آن است که فرد، در تعامل با جامعه دچار مشکل شود، همواره فاصله خود را با دیگران حفظ کند و از همکاری با آن‌ها اجتناب ورزد. به عبارت دیگر، فرزندان این‌گونه خانواده‌ها به دلیل این که عادت کرده‌اند که دیگران (والدین) برای آن‌ها تصمیم بگیرند از برخورد با مسئولیت طفره می‌روند و در

موقعیت‌های مختلف سازگاری کمی از خود نشان می‌دهند. بنابراین توان ایستادن روی پای خود و مقابله با مشکلات را از دست می‌دهند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت که آموزش و آگاهی والدین از نحوه برخورد صحیح با فرزندان خود و کسب آگاهی از شیوه درست تربیتی از جمله روش اقتدار منطقی و برخورد مناسب با فرزندان خود نه تنها می‌تواند مشکلات رفتاری فرزندان را کاهش دهد، بلکه در اثر آرامش روان آن‌ها، فرصت بهتری برای افزایش مسئولیت‌پذیری در اختیارشان قرار خواهد داد. بنابراین والدین باید به شیوه‌های تربیت اثربخش توجه کافی داشته باشند و با تجدید نظر مستمر در تجربه‌های تربیتی خود، شیوه‌های معیوب تربیتی را کنار گذاشته و به شیوه‌های مؤثر و کارآمدتر روی آورند، چرا که اگر شیوه‌های تربیتی اصلاح شوند، مشکلات رفتاری فرزندان نیز اصلاح خواهد شد.

با توجه به اینکه در پژوهش حاضر یکی از یافته‌ها این بود که بین رفتارهای سخت‌گیرانه والدین با مسئولیت‌پذیری فرزندان رابطه منفی وجود دارد. به مشاورین مدارس پیشنهاد می‌شود که در طی جلساتی چند، والدین را از پیامدهای منفی روش تربیتی سخت‌گیرانه آگاه کنند. همین‌طور به والدین پیشنهاد شود که جهت بالا بردن میزان مسئولیت‌پذیری فرزندان خود از شیوه اقتدار منطقی به‌عنوان سبکی با پیامدهای مثبت برای تربیت فرزندان خود استفاده نمایند. علاوه بر این برنامه‌های آموزشی و تلویزیونی در ارتباط با روش صحیح برخورد با فرزند تهیه و به آگاهی والدین رسانده شود. نهایتاً رسانه‌های ارتباط جمعی در برنامه‌های خود، در قالب فیلم‌های داستانی و یا مستند، برگزاری نشست‌های علمی با استفاده از متخصصین و مشاورین، پیامدهای روش‌های تربیتی معیوب از جمله سهل‌گیرانه و سخت‌گیرانه را به‌خصوص در جنبه رشد مهارت‌های اجتماعی مانند مسئولیت‌پذیری مورد توجه قرار دهند.

از محدودیت‌های این پژوهش این است که پژوهش حاضر بر روی دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی شهرستان بروجرد انجام شده است در نتیجه نمی‌توان این یافته‌ها را به افراد دیگر تعمیم داده لذا پیشنهاد می‌شود پژوهشی مشابه در مناطق و مقاطع تحصیلی دیگر و همچنین بر روی جامعه دختران نیز انجام شود چرا که الگوهای رفتاری والدین نسبت به فرزندان دختر و پسر متفاوت است. دیگر محدودیت این پژوهش به استفاده از ابزار پرسش‌نامه مربوط می‌شود. از این رو پیشنهاد می‌شود در مطالعات دیگر از ابزارهای دیگری از جمله مصاحبه جهت پی‌بردن به لایه‌های عمیق شیوه‌های تربیتی استفاده شود.

منابع

- قرآن کریم. (۱۳۸۶). ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- نهج البلاغه. (۱۳۷۸). گردآورنده شریف‌الرضی، محمدبن حسین، ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- اخلاصی، احمدبخش. (۱۳۸۶). نقش الگویی والدین در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی کودک. جامعه فردا، ۴، ۲۶۸ - ۲۸۶.
- اسفندیاری، غلامرضا. (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، انستیتو روان‌پزشکی تهران.
- ایزدی‌فرد، علی‌اکبر و کاویار، حسین. (۱۳۸۹). مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مدیران از دیدگاه امام علی (ع) با تأکید بر مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای. پژوهش‌های علوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۲۱)، ۱ - ۲۰.
- باقری، خسرو. (۱۳۹۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ سی و دوم. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه).
- بقایان، مینا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با عزت نفس و اهمال‌کاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- بهرامی، فاطمه؛ ملکیان، حسین و عابدی، محمدرضا. (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه راه‌کارهای افزایش مسئولیت‌پذیری در بین دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر اصفهان. فصل‌نامه آموزه، ۱۷، ۶۴ - ۷۲.
- بیرامی، منصور و علائی، پروانه. (۱۳۹۲). قلدری در مدارس راهنمایی دخترانه: نقش شیوه‌های فرزندپروری و ادراک از محیط عاطفی خانواده. روان‌شناسی مدرسه، ۲(۳)، ۳۸-۵۶.
- پرچم، اعظم؛ فاتحی‌زاده، مریم و اله‌باری، حمیده. (۱۳۹۱). مقایسه سبک‌های فرزندپروری بامریند با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۰(۱۴)، ۱۱۵ - ۱۳۸.
- حرانی، ابومحمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه. (۱۳۸۵). تحف العقول، ترجمه صادق حسن‌زاده. قم: آل‌علی (ع).
- حراملی، محمدبن حسن. (متوفی ۱۱۰۴ ق). وسائل الشیعه، محقق محمدرضا حسینی جلالی. قم: نشر آل‌بیت.
- حسینی‌راد، سیده فاطمه. (۱۳۹۲). روان‌شناسی مسئولیت‌پذیری. مهیار، ۱۰۳، ۸-۱۱.
- خدابخشی، مهدی و عابدی، محمدرضا. (۱۳۸۸). بررسی روش‌های افزایش مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر شهرضا در سال تحصیلی ۸۵-۸۴. مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء، (۱)۵، ۱۱۴-۱۲۱.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۶). سیری در تربیت اسلامی. تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- دیدار، مریم. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین با عزت نفس و مسئولیت‌پذیری نوجوانان پایه اول دبیرستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- رحیمی، علیرضا و گوهری‌پور، مرتضی. (۱۳۸۹). تعلیم و تربیت: از نظریه تا عمل (براساس آرا و اندیشه‌های فلسفی و تربیتی استاد دکتر علی شریعتمداری. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- سعیدی، زینب. (۱۳۹۱). رابطه شیوه‌های فرزندپروری و وابستگی به دیگران با مسئولیت‌پذیری بین دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- سلطان‌نژاد، سمیه. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با اهمال‌کاری و خودناتوان‌سازی تحصیلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سلیمانی، محمد. (۱۳۹۰). نقش الگوها در تربیت انسان. مشهد: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب.
- شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۷۳). جایگاه خانواده و مدرسه در رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان. خلاصه مقالات پنجمین مجمع علمی جایگاه تربیت: پرورش اجتماعی کودکان و نوجوانان، ۷۶-۷۸.

- صادقی، منصوره‌السادات و مظاهری، علی. (۱۳۸۶). کیفیت ارتباط والد فرزند پیش شرط تربیت دینی فرزندان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۳(۹)، ۴۷۲-۴۹۰.
- صدرالسادات، سیدجلال؛ شمسی اسفندآباد، حسن و امامی‌پور، سوزان. (۱۳۸۴). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری و کارکرد خانواده در خانواده‌های بدسرپرست دارای اختلالات رفتاری و عادی. *فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، ۷(۲۰)، ۴۳-۴۸.
- علم‌الهدی، جمیله. (۱۳۸۸). *نظریه اسلامی تعلیم و تربیت*. تهران: دانشگاه امام صادق(ع) و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش.
- فاطمی، احمد. (۱۳۸۹). *خودخواهی، خودسازی و خصایص انسان در اسلام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فضل‌اللهی قمشسی، سیف‌اله و ملکی توانا، منصوره. (۱۳۹۳). اولویت‌بندی عوامل خانوادگی مؤثر در تربیت دینی فرزندان. *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۲(۲۵)، ۱۰۷-۱۱۸.
- کردلو، منیره. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری نوجوانان در خانه و مدرسه. *رشد مشاوره مدرسه*، ۴(۱)، ۴-۱۱.
- مارنات، گری‌گراث. (۱۳۹۲). *راهنمای سنجش روانی*، ترجمه حسن‌پاشا شریفی و محمدرضا نیکخو. تهران: نشر سخن.
- محمدی، زهره و لطیفیان، مرتضی. (۱۳۸۶). بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد هویتی فرزندان از طریق ابعاد فرزندپروری والدین در میان دانشجویان دانشگاه شیراز. *مطالعات روان‌شناختی*، ۴(۲)، ۳۹-۵۶.
- مزیدی، محمد و البرزی، محبوبه. (۱۳۸۸). بررسی رابطه خودپنداری کودکان و شیوه‌های فرزندپروری والدین. *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۲۵(۲)، ۹-۲۴.
- مکارم‌شیرازی، ناصر. (۱۳۷۸). *تفسیر نمونه* (جلد ۷ و ۱۸). تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- نعمتی، مه‌سیما. (۱۳۸۸). *ساخت و هنجاریابی مقیاس مسئولیت‌پذیری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- هدایتی، بنت‌الهدی؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادات؛ آکوچیان، احمد؛ بهرامی، فاطمه و اعتمادی، عذرا. (۱۳۸۷). شیوه‌های فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری نوجوان، *نشریه معرفت*، ۱۷(۱۳۰)، ۶۳-۷۱.

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting styles on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95.

Gordon, M. C. (2003). *The role of parenting style in the development of social responsibility*. Doctoral Dissertation, George Fox University, Newberg, Oregon.

Woolfolk, MA. H. (2007). *Educational psychology* (10th ed.). Boston, MA: Allyn & Bacon.